

تحلیل راهبرد چین و روسیه در بحران یمن؛ همسویی با عربستان سعودی یا ایران

مجید بزرگمهری*

شهلا نجفی**

چکیده

سیاست و مواضع دو عضو دائم شورای امنیت (فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین)، در برابر بحران یمن اهمیت ویژه‌ای دارد و این سوال را به وجود می‌آورد که «این دو قدرت جهانی سیاستی همسوی با غرب و حمایت از عربستان را در این بحران اختیار می‌کنند و یا اینکه مواضع ایران را که حمایت از جنبش حوثی‌ها است تقویت خواهند کرد؟». پرسش اصلی از «چستی سیاست و مواضع دو قدرت جهانی عضو دائم شورای امنیت؛ یعنی روسیه و چین در قبال بحران یمن» است. به عنوان فرضیه به نظر می‌رسد پکن و مسکو حفظ روابط حسنه با عربستان را در بحران یمن در اولویت قرار می‌دهند. چین و روسیه ضمن حفظ سیاست بی‌طرفی، عملاً از سیاست‌های عربستان و شورای همکاری خلیج فارس حمایت کرده‌اند. در این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و تحلیل محتوای اسناد در صدد پاسخگویی به پرسش اصلی هستیم. وجه تمایز این تحقیق تکیه بر گزارش‌های مستند و بررسی ابعاد متنوع سیاسی، امنیتی و اقتصادی موضوع می‌باشد. در ارتباط با اسناد سازمان ملل که روایت رسمی مواضع دولت‌ها را ترسیم می‌سازد، متن تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت و گزارش‌های "روند تصویب" که مرتبط با بحث بوده‌اند، استخراج، مطالعه و تحلیل شده است.

واژه‌های کلیدی: یمن، فدراسیون روسیه، چین، شورای امنیت، ایران، عربستان سعودی

bozorg_majid@yahoo. Com

* دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). قزوین. ایران

** دانش آموخته ارشد روابط بین الملل، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

shahla.najafi10@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵

فصلنامه روابط خارجی، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۵۹-۱۳۱

مقدمه

خاورمیانه از سال ۲۰۱۱، شاهد گشایش دوره جدیدی در تاریخ سیاسی خود بود. اعتراضات مردمی که منشأ تحولات عمیقی در خاورمیانه گردید در سپتامبر سال ۲۰۱۰، با قیام مردم تونس آغاز شد. قیام ملل عرب از شمال آفریقا به غرب آسیا سرایت کرد و در یمن آثار مهمی را برجای گذاشت. در این کشور، «علی عبدالله صالح» که بیش از سه دهه، قدرت را با تکیه بر موازنه‌های قبیله‌ای، کمک ارتش و نیروهای امنیتی قبضه کرده بود به دنبال اعتراضات گسترده یمنی‌ها مجبور به کناره‌گیری شد.

روابط یمن و عربستان یکی از عوامل مهم در معادلات منطقه به شمار می‌رود. از نظر تاریخی، سعودی‌ها همواره تمایل داشتند که یمن تحت کنترل آنها با یک حکومت مرکزی ضعیف از طریق نظام قبیله‌ای و گروه‌های سیاسی متفرق اداره گردد. کناره‌گیری عبدالله صالح و روی کار آمدن «عبد ربه منصور هادی» به عنوان رئیس جمهور یمن نیز به پایان تحولات اعتراضی در یمن منتهی نشد و ناکامی دولت در تقسیم قدرت میان گروه‌های معترض در عمل سبب نارضایتی شدید شیعیان زیدی و تزییع وسیع حقوق آن‌ها در یمن گردید. در همین راستا، مقبولیت و نفوذ حوثی‌ها، نگرانی همسایه شمالی یعنی عربستان سعودی را به شدت دامن زد.

سه عضو دائم شورای امنیت شامل ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه از متحدان عربستان تلقی شده و ثبات منطقه شبه جزیره عربستان با سلطه‌گری حکومت آل سعود و هم‌پیمانانش و عدم گسترش نفوذ ایران و جلوگیری از

قدرت یافتن گروه‌های سیاسی قومی همسو با ایران را اولویت سیاست منطقه‌ای خود می‌دانند. رویکرد دو عضو دائم دیگر شورای امنیت روسیه و چین نیز واجد اهمیت است. دو کشور مذکور نیز روابط خوبی با عربستان در سطوح تجاری دارند و ثبات منطقه با برتری طیف تحت حمایت عربستان سعودی را مطلوب می‌دانند.

عربستان در ۲۶ مارس ۲۰۱۵، با ایجاد و رهبری ائتلاف عربی، تهاجمات هوایی خود را علیه انصارالله یمن با ادعای حمایت از منصور هادی، رئیس‌جمهور (مستعفی) این کشور، آغاز کرد. به عبارتی راهبرد عربستان در برابر یمن توسل به رئالیسم تهاجمی است که سعی دارد از نفوذ انقلاب‌های عربی به داخل کشورش ممانعت کند از این رو سیاست خشونت بار و غیر انسانی را با کاربرد ابزار نظامی علیه یمنی‌ها اعم از نظامی و غیر نظامی اتخاذ کرد.

سیاست و مواضع دو عضو دائم شورای امنیت، فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین در قبال بحران یمن از این اهمیت برخوردار است که آیا این دو قدرت جهانی سیاستی همسو با غرب و حمایت از عربستان را در این بحران اختیار می‌کنند و یا اینکه مواضع ایران را که حمایت از جنبش حوثی‌ها است تقویت خواهند کرد؟

سوال اصلی از «چستی سیاست و مواضع دو قدرت جهانی عضو دائم شورای امنیت یعنی روسیه و چین در قبال بحران یمن» است.

در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و تحلیل محتوای اسناد در صدد پاسخگویی به سوال اصلی هستیم. وجه تمایز این تحقیق تکیه بر گزارش‌های مستند و بررسی ابعاد متنوع سیاسی، امنیتی و اقتصادی موضوع می‌باشد. در ارتباط با اسناد سازمان ملل که روایت رسمی مواضع دولت‌ها را ترسیم می‌سازد، متن تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت و گزارش‌های "روند تصویب" که مرتبط با بحث بوده اند، استخراج، مطالعه و تحلیل شده است.

پیشینه پژوهش

مقالات و نوشته‌های متعددی در زمینه بحران انسانی در یمن، سیاست‌های ایران و

عربستان در یمن و یا مواضع آمریکا به زبان فارسی و انگلیسی تدوین و انتشار یافته است، اما در خصوص مواضع دو کشور فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین تاکنون مقاله مستند و جامعی به زبان فارسی و انگلیسی انتشار نیافته است. مواردی که به زبان فارسی منتشر شده‌اند به مباحث پیرامونی این موضوع پرداخته اند.

«امین دیلمی معزی» در ۱۳۸۹، در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی روس یه در خاورم یانه در دهه اول قرن بیست و یکم» به سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه به صورت کلی می‌پردازد. نقطه توجه مقاله عمدتاً مسائل سوریه است و بحثی در خصوص یمن به عمل نیامده. (دیلمی معزی، ۱۳۸۹)

«محمد سهرابی» نیز مقاله مشابهی با عنوان «سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه» در ۱۳۹۲، به چاپ رسانده است که همانند پژوهشگر قبلی عمدتاً به سیاست کلی روسیه در بحران سوریه و مسائل اعراب و اسرائیل پرداخته است. (سهرابی، ۱۳۹۲)

موسسه مطالعاتی «سونسکا اف ان فورباندت»^۱ در سوئد گزارشی با عنوان «مدل سازمان ملل در جنگ داخلی یمن»^۲ تدوین کرده است که بازسازی یک جلسه رسیدگی به بحران یمن در نشست شورای امنیت است. در این سند که بیشتر ماهیت آموزشی دارد مواضع تک تک اعضاء دائم و غیر دائم شورای امنیت در موضوع بحران یمن به بحث گذاشته شده است. (Svenska FN-förbundet. 2018)

«مصطفی ناجی» در گزارش کوتاهی با عنوان «جایگاه یمن در بازگشت روسیه به خاور میانه»^۳ معتقد است که مسکو سیاست همراهی با همه جناح‌ها و عدم تکیه بر هیچ‌یک را در بحران یمن دنبال می‌کند. ناجی معتقد است که روسیه دیگر سیاست ایدئولوژی را در سیاست خارجی خود تعقیب نمی‌کند و منافع مسکو در همکاری با عربستان را مورد توجه قرار داده است. (Naji. 2019)

1. Svenska FN-förbundet

2. Model UN ON THE CIVIL WAR IN YEMEN 2018

3. YEMEN'S ROLE IN MOSCOW'S MIDEAST COMEBACK

«یحیی الوعد» و همکارانش در مقاله‌ای در ۲۰۱۷، به تاریخ روابط چین با یمن می‌پردازند. مقاله تصویر خوبی از تاریخچه روابط یمن و جمهوری خلق چین ارائه می‌دهد ولی به مباحث فعلی بحران یمن و سیاست پکن نمی‌پردازد. (Al Awd. 2017)

«عبدالله مودهیش» در مقاله خود تحت عنوان «الزامات روابط تجاری دو جانبه یمن و چین»^۱، در ۲۰۱۷، صرفاً به بررسی روابط تجاری پیش از بحران فعلی یمن پرداخته است. (Mudhish. 2017)

«ساموئل رمنی»^۲ در تحلیلی با عنوان «سیاست موازنه‌ساز راهبردی روسیه در یمن»^۳ که در ۲۰۱۹، توسط "موسسه دولت‌های عربی خلیج در واشنگتن" تدوین شده است، سعی داشته رویکرد عدم حمایت یک‌جانبه از یکی از طرفین ایران و عربستان را در بحران یمن اثبات کند. رمنی معتقد است روسیه بر خلاف بحران سوریه در یمن نهایتاً به روابط خود با عربستان سعودی بهای بیشتری می‌دهد. (Ramani. 2019)

«کریستین ورثموث»^۴ در گزارشی با عنوان «روسیه و چین در خاور میانه، پیامدهای آن برای ایالات متحده آمریکا در عصر رقابت راهبردی»^۵ سال ۲۰۱۹، سیاست خارجی دو کشور را در مسائل متنوع خاورمیانه تحلیل می‌کند. ورثموث معتقد است منافع اقتصادی حرف اول سیاست‌ها و گرایش‌های دو کشور را در خاورمیانه شکل می‌بخشد. البته موضوع اسرائیل مسئله دیگری است که روسیه نگاه خاصی به آن دارد. (Wormuth. 2019)

اما «استیفن بلانک»^۶ در مقاله‌ای با عنوان «موضع روسیه در خاورمیانه در

1. DETERMINANTS OF BILATERAL TRADE BETWEEN CHINA AND YEMEN: EVIDENCE FROM VAR MODEL

2. Samuel Ramani

3. Russia's Strategic Balancing Act in Yemen

4. Christine Wormuth

5. Russia and China in the Middle East. Implications for the United States in an Era of Strategic Competition

6. Stephen Blank

۲۰۲۵^۱ با نگاهی آینده‌بینانه معتقد است که روسیه در حال تقویت جایگاه خود در معادلات خاورمیانه با حضور سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی است. (Blank, 2018)

«مارتین راسل»^۲ در گزارشی برای پارلمان اروپا با عنوان «روسیه در خاورمیانه، از کناره‌ها به سوی مرکز صحنه»^۳ به سیاست خاص روسیه در قبال بحران سوریه می‌پردازد. راسل مدعی می‌شود که مسکو در سایر بحران‌های خاورمیانه مانند یمن صرفاً نقش میانجی را ایفا می‌کند. (Russel, 2018)

در مجموع تحقیق خاصی به زبان فارسی در موضوع سیاست دو کشور چین و روسیه در قبال بحران یمن صورت نگرفته است و به زبان انگلیسی نیز اگرچه آثار محدودی هست ولی هیچ‌کدام تحلیلی جامع از موضوع نداشته‌اند؛ لذا دست‌اول بودن موضوع، از ویژگی‌های این مقاله محسوب می‌شود.

۱. چهارچوب مفهومی: بازیگر تزاومی در معادلات منطقه‌ای

بررسی‌های نظری در مطالعات منطقه‌ای حاکی از آنست که چهار الگوی عمده در مورد نگرش به منطقه در سیاست جهانی وجود داشته است: ژئوپولیتیک محور، نظام محور، مارکسیستی و منطقه‌گرایی. (احمدی لفورکی، ۱۳۹۷: ۱۴)

الگوی ژئوپولیتیک محور که بیش از همه در نظریه «مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای» جای می‌گیرد، مقوله نزدیکی جغرافیایی را به عنوان مهمترین عامل شکل‌گیری مناطق در جهان محسوب می‌کند. «باری بوزان» معتقد است که سطوح تحلیلی ملی و بین‌المللی نمی‌توانند برای تحلیل مسائل مربوط به مناطق مناسب باشند، لذا یک سطح تحلیل میانه لازم است؛ چراکه می‌تواند به عنوان تلاشی در جهت پر نمودن شکاف میان سطح دولت و سیستم (نظام بین‌الملل) محسوب شود (بوزان، ۱۳۸۸: ۲۱۲)

بر اساس الگوی نظام محور، مناطق عرصه‌هایی هستند که به عنوان نظام‌های تابع نظام بین‌الملل عمل می‌کنند. «ویلیام تامپسون»، «مایکل برچر»، «کانتوری» و «اشپیگل»

1. Russia's Middle Eastern Position in 2025

2. Martin Russel

3. Russia in the Middle East. From sidelines to center stage

از جمله نظریه پردازان نظام‌های تابعه هستند. (احمدی نفورکی، ۱۳۹۷: ۱۴)

کانتوری و اشپیگل با توجه به چهار متغیر سطح و میزان انسجام، ماهیت ارتباطات، سطح قدرت و ساختار روابط، نظام تابع را نیز به بخش مرکزی، بخش پیرامونی، و قدرت مداخله‌گر یا تزامی تقسیم می‌کنند. (Cantori. 1973: 487)

از نظر آنها، هر منطقه هم‌گرا شده، سه بخش دارد: ۱. بخش مرکزی که توجه اصلی سیاست بین‌الملل در هر منطقه به آن معطوف است؛ ۲. بخش پیرامونی که در سیاست منطقه نقش جانبی دارند و ۳. سیستم مداخله‌گر که گویای نفوذ و مداخله قدرت‌های خارجی در مسائل منطقه است. (Cantori. 1970: 28-9)

قدرت و بازیگر خارجی، ارتباط جغرافیایی با منطقه ندارد ولی بر اساس منافع به صورت مستقیم و یا از طریق هم‌پیمانان منطقه‌ای در معادلات منطقه دخالت فعال و یا غیر فعال دارد. دخالت فعال شامل مشارکت مستقیم در معادلات سیاسی و امنیتی منطقه است. مشارکت غیر فعال به حضور کم‌رنگ اقتصادی و یا فرهنگی اشاره دارد. (بزرگمهری، ۱۳۸۳: ۱۵۰)

مشارکت و حضور آمریکا در معادلات منطقه‌ای اروپا پس از جنگ جهانی دوم و تقویت امنیت اروپای غربی از طریق ناتو در برابر پیمان ورشو و یا حضور نظامی آمریکا در بحران‌های شرق آسیا و جنگ ویتنام از نمونه‌های بارز حضور و نقش فعال بازیگر تزامی و یا به عبارتی خارجی در معادلات منطقه‌ای است. حضور فرهنگی فرانسه در کشورهای مختلف و یا حضور اقتصادی چین، کره جنوبی و یا چین در معاملات تجاری و اقتصادی مناطق مختلف در صورت عدم حضور برجسته نظامی، نمونه نقش غیر فعال قدرت‌های خارجی در معادلات منطقه‌ای است. در اینجا از آنجا که قدرت خارجی منافع مستقیم امنیتی و یا سیاسی در یک حوزه منطقه‌ای ندارد حفظ امنیت منطقه را به بازیگران منطقه‌ای و یا سایر قدرت‌های خارجی واگذار می‌کنند. در بحران یمن نیز نقش روسیه و چین به عنوان قدرت‌های فرامنطقه‌ای قابل تبیین است. مسکو و پکن تمایل زیادی به حضور نظامی و مداخله مستقیم در تنش‌های منطقه‌ای آسیای جنوب غربی و یا شبه جزیره عربستان ندارند.

۲. داده‌ها و تحلیل آنها

۱-۲. سیاست چین

۱-۱-۱. سیاست چین در خاورمیانه و آسیای جنوب غربی

چین در حوزه خاورمیانه به سیاست عدم مداخله در امور داخلی کشورها و تاکید بر منافع اقتصادی دارد. پکن سعی دارد در خاورمیانه سیاست دوستی با همه و عدم دشمنی با دولت‌ها را اختیار کند لذا فقط منافع اقتصادی، عامل ترجیح چین در تنظیم سیاستش در خصوص روابط عربستان و ایران است. (Wormuth, 2019: 5)

چین معتقد است که ثبات و صلح در خاورمیانه همراه با فرایند توسعه محقق می‌شود. رقم مبادلات تجاری چین با کشورهای منطقه خاورمیانه از ۱۸ میلیارد به ۳۱۲ میلیارد از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴، افزایش داشته است و در ۲۰۱۰، چین جایگزین آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری منطقه شده است. امنیت منطقه برای چین فوق‌العاده حیاتی است چون افزایش قیمت نفت بر صنایع چین تاثیرگذار است و تخلیه هزاران نفر اتباع چینی در لحظات شرایط بحرانی، مشکلات عدیده‌ای را برای چین رقم خواهد زد. (Hornschild, 2016)

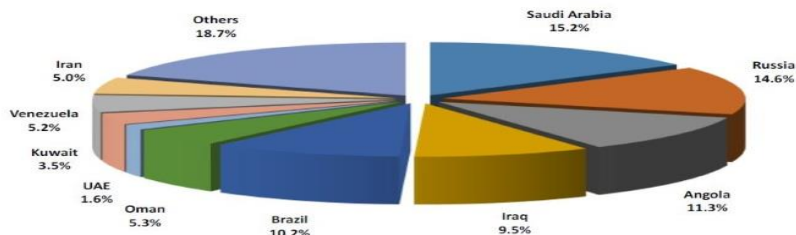
مسئله اصلی چین در حوزه خاورمیانه و آسیای جنوب غربی ثبات منطقه‌ای برای تداوم تجارت است.

نمودار ۱. مقایسه میزان صادرات نفت به چین از سوی کشورهای صادر کننده فوریه ۲۰۱۹ (Banker Port)

(News, 2020)

China - Crude Oil Imports by Source - Feb 2019

(source: GAC ; in % of import volume)



بر اساس نمودار ۱، عربستان سعودی بزرگترین تامین کننده نفت چین می باشد. در سال های اولیه سده جدید ۲۱، روزانه ۸۹۳ هزار بشکه نفت، صادرات عربستان به چین بوده است. صادرات عربستان به چین همواره دو برابر و در سال ۲۰۱۹، سه برابر ایران بوده است.

چین به چند علت برای عربستان اهمیت ویژه ای قائل است، نخست اینکه عربستان به صورت تاریخی یک شریک قابل اعتماد برای مشتریان بوده است، دوم اینکه عربستان بزرگترین صادر کننده نفت تلقی می گردد. این کشور نفتی قادر است روزانه ۱۲ میلیون بشکه نفت صادر کند. ۱۷ درصد از ذخایر نفتی جهان در عربستان است. از سوی دیگر این کشور بزرگترین اقتصاد کشورهای عربی را دارا است و حتی یکی از اعضا «گروه ۲۰» بوده و نهایت اینکه عضو بسیار تاثیرگذار در اوپک می باشد.

شروع روابط عربستان با چین به سال ۱۹۳۹، بازمی گردد. عربستان نخستین کشور عربی بود که روابطش را با چین عادی ساخت. با امضاء معاهده دوستی در ۱۹۴۶ روابط دو کشور تقویت شد. با حاکمیت حزب کمونیست در چین در ۱۹۴۹، روابط قطع گردید ولی از سال ۱۹۷۹، به تدریج این روابط، نخست در قضیه اعزام مسلمانان چینی برای مراسم حج در مکه (دهه ۷۰)، سپس صادرات کالای چینی به عربستان (دهه ۸۰)، و دریافت تسلیحات چینی به ویژه موشک های دور برد (دهه ۹۰)، تداوم یافت. در ۲۱ جولای ۱۹۹۰، دو کشور رسماً روابط دیپلماتیک برقرار کردند. (Al-Tamimi, 2012: 2-4)

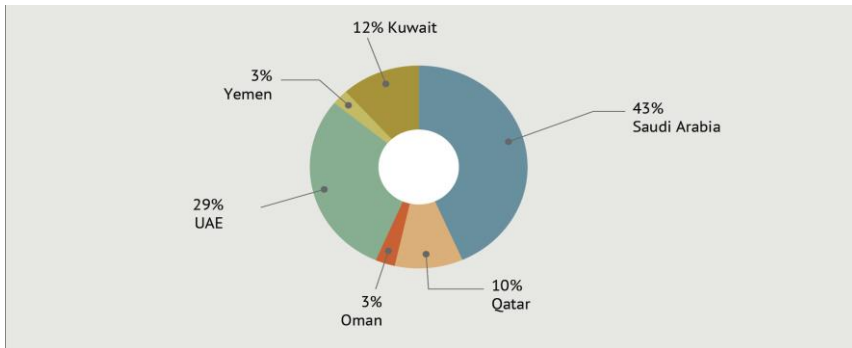
روابط چین و عربستان از سال ۱۹۹۰، ملموس تر شد و سال ۲۰۰۶، نقطه عطف این روابط محسوب می شود زیرا که رئیس جمهور "هو" ملاقاتی از عربستان داشت و پادشاه عربستان نیز متقابلاً از پکن بازدید کرد. برقراری روابط گسترده با چین برای عربستان هم واجد آثار مثبت و هم مخاطره آمیز بوده است. این روابط ممکن است باعث حساسیت دولت دوست و متحد قدیمی اش یعنی آمریکا گردد. ولی از سوی دیگر فضا را جهت صادرات نفت به چین با تقاضای روز افزونش رونق بخشد.

نزدیکی عربستان به چین می تواند چین را در سیاست همسویی و حمایت از

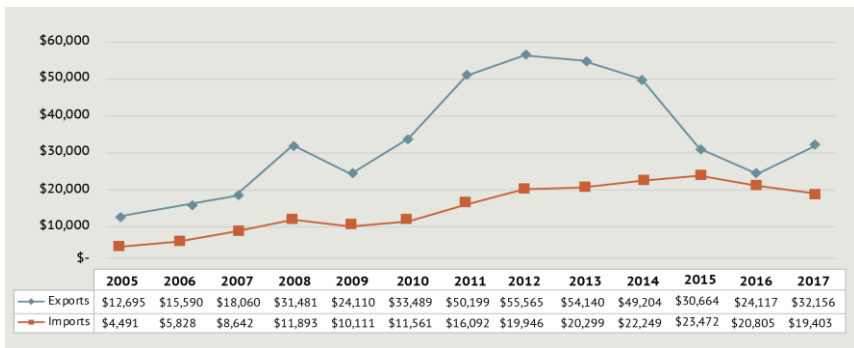
ایران دچار تردید نماید. چین دست دوستی به سوی دولتی دراز می‌کند که اولاً امنیت صادرات نفت را دچار مخاطره نکند، دوم اینکه امکان واردات نفت را به میزان نیاز از آن کشور و یا متحدانش داشته باشد و سوم اینکه بازار مصرف داخلی‌اش را برای واردات کالاهای چینی در سطح وسیعی تسهیل کند. عربستان آماده‌ایفای نقش مزبور بوده و هست. البته همسویی دولت چین با ایران مسئله مهمی برای عربستان است و لذا می‌کوشد با تقویت روابط خود با چین، دامنه همسویی مزبور را کاملاً محدود سازد. (Keefer Douglas. 2007)

بر اساس داده‌های کنفرانس سازمان ملل در زمینه تجارت و توسعه در سال ۲۰۱۴، چین بزرگ‌ترین منبع سرمایه‌گذاری آسیایی در عربستان سعودی است. به موازات صنایع انرژی، شرکت‌های چینی سرمایه‌گذاری‌های چند میلیارد دلاری در زیرساخت‌ها و طرح‌های صنعتی عربستان داشته‌اند. (Pardo, March, 2014)

نمودار ۲. وضعیت سرمایه‌گذاری چین در کشورهای حوزه خلیج فارس (Houldon. 2019)



نمودار ۳. وضعیت صادرات و واردات چین با عربستان سعودی بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ (Houldon. 2019)



۲-۱-۲. سیاست چین در قبال بحران یمن

«چانگ»^۱ متخصص سیاست دفاعی چین در گزارش تحلیلی خود با عنوان «چین و جنگ فراموش شده یمن»^۲ اعلام می‌دارد که پکن نقش حامی تلاش‌های بین‌المللی صلح در بحران را یمن ایفا می‌کند. دولت چین از روند تغییر قدرت در یمن بر اساس رویکرد و برنامه شورای همکاری خلیج فارس و مذاکرات صلح با وساطت سازمان ملل حمایت می‌کرد. پکن چندان تمایل به مقابله با سیاست‌های ائتلاف عربی به رهبری عربستان در حملات هوایی به گروه‌های مخالف نداشت و سیاست سکوت را اختیار کرده بود. (Chang. 2018: 1)

بنا به نظر چانگ از سال ۲۰۱۱، سیاست چین در خصوص یمن در چهارچوب سیاست همکاری پکن با عربستان سعودی و تقویت روابط با عربستان بوده است. از منظر چین، عربستان سعودی یک راه ورودی مهم برای ورود به جهان عرب سنی در خاورمیانه و آفریقا است. عربستان سعودی نیز یکی از تامین‌کنندگان اصلی منابع انرژی چین می‌باشد. (Xinhua. 2016)

ریاض و پکن توافق داشته‌اند که در مسائل مختلف بین‌المللی از یکدیگر حمایت کنند. حمایت همه‌جانبه ریاض از حضور و تداوم قدرت چین در هنگ‌کنگ و دریای جنوب چین و احترام به منافع عربستان در بحران یمن از سوی چین نمونه‌های این رویکرد همکاری دو جانبه است. (Reuters. 20 Jan. 2016)

چین از جمله "گروه ده"^۳ شامل پنج عضو دائم شورای امنیت به همراه عربستان سعودی، کویت، امارات، عمان و اتحادیه اروپا بود که طرح انتقال قدرت از عبدالله صالح به عبدربه منصور هادی، طرح پیشنهادی شورای همکاری خلیج (فارس) را دنبال، تأیید و تقویت کرد. (Chang. 2018: 2) پکن توافقات سال ۲۰۱۴، در کنفرانس گفتگوی جامع ملی که در خصوص پیش‌نویس قانون اساسی جدید، اصلاح نظام انتخاباتی و مسائل توسعه اقتصادی و فدرالیسم در یمن بود را

1. Chang

2. China and Yemen's Forgotten War

3. Group of Ten

مورد تأیید قرار داد. در سپتامبر ۲۰۱۴، پس از اقدام حوثی‌ها در اشغال صنعا و فرار منصور هادی به عربستان، چین به «قطعنامه ۲۲۰۱» شورای امنیت مبنی بر درخواست خروج فوری حوثی‌ها از صنعا رای مثبت داد.

واکنش چین در قبال حملات قوای ائتلاف به یمن سکوت بود و فقط پکن در جهت خروج اتباع خود از یمن اقدام کرد. خروج ۶۲۹ چینی و ۲۷۹ اتباع سایر دولت‌ها از یمن توسط ناو جنگی آزادی‌بخش خلق صورت گرفت. چین به تمام قطعنامه‌های شورای امنیت در موضوع یمن رای موافق داد. قطعنامه ۲۲۱۶ مواردی شامل ممنوعیت سفر، تحریم تسلیحاتی در خصوص رهبر حوثی‌ها و پسر عبدالله صالح را وضع می‌کرد. اگرچه روسیه به این قطعنامه رأی ممتنع داد. (Ibid: 2)

متعاقب شکست سه دوره مذاکرات میان سازمان ملل و جناح حوثی - صالح، چین سعی کرد با میانجیگری، مذاکرات میان «اولد شیخ احمد» از طرف سازمان ملل و حوثی‌ها از سر گرفته شود، به‌ویژه پس از تسخیر بندر حدیده از سوی حوثی‌ها. «نیان کی»، سفیر چین در یمن سعی کرد ملاقاتی میان احمد و حوثی‌ها شکل گیرد که حوثی‌ها موافق آن نبودند. (Embassy of the PRC. 2016) حوثی‌ها اظهار می‌داشتند که سازمان ملل و نماینده‌اش رویکرد جانب‌دارانه دارند. کمک‌های بشر دوستانه چین نیز از مجاری عربستان تسلیم مقامات دولت منصور هادی می‌شد. (Chang, 2018: 3)

۲-۲. فدراسیون روسیه

۲-۲-۱. سیاست روسیه در خاور میانه

سیاست مسکو همانند پکن در خاورمیانه تکیه بر روابط خوب با مجموعه کشورهای منطقه است. پوتین برنامه ملاقات‌های متعددی را از کشورهای خاورمیانه ترتیب داده است که شامل اسرائیل، عربستان سعودی، امارات، اردن، قطر، ترکیه و ایران می‌باشد. البته به جز در سوریه، سیاست مسکو تعهد و اشتغال حداقلی در

مسائل خاورمیانه است. روسیه تاکید مستمر بر اصل حاکمیت دولتی و جلوگیری از مداخله بیگانه در امور داخلی کشورهای خاورمیانه و عدم گسترش شورش‌ها و قیام‌های داخلی در این کشورها دارد. مسکو از احتمال تاثیر گذاری بهار عربی بر مسلمانان و ایالات مسلمان روسیه مطلع است و لذا تشدید این خیزش‌های مردمی را چندان مناسب سیاست‌های خود نمی‌داند. (Sladden. 2017: 10)

روسیه بر خلاف آمریکا خود را به عنوان یک شریک قابل تکیه در منطقه معرفی نمی‌کند و چندان هم مسائل حقوق بشر و یا آزادی‌های اجتماعی را مبنای تعاملات خود با کشورهای منطقه قرار نمی‌دهد. متغیر اصلی روسیه سطح روابط تجاری است. روسیه و خاور میانه، ۶۰ درصد ذخایر کشف شده نفت و گاز جهان را دارا می‌باشند. (Popescu. 2018: 30)

روسیه روابط خوبی را با عربستان در سطح «اوپک به علاوه یک»^۱ دارد. در خصوص راه‌اندازی نیروگاه‌های هسته‌ای علاوه بر ایران، مسکو وارد مذاکره با طرف‌های اردنی، مصر و اخیراً عربستان سعودی شده است. عربستان طرح راه‌اندازی ۱۶ راکتور هسته‌ای را تا سال ۲۰۳۲، اعلام داشته است.

یکی از موارد چالشی سیاست مسکو در خاورمیانه، روابط نزدیک روسیه با اسرائیل و تنش و دشمنی میان تهران و تل‌آویو است که به نظر می‌رسد مسکو سیاست حفظ روابط با اسرائیل را در اولویت دارد. (Wormith. 2019: 3)

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مسکو سیاست حمایت از فلسطینی‌ها را در قبال اسرائیل کنار گذاشته است هر چند که روابط خود را با دولت خودمختار فلسطین حفظ کرده است.

در شرایطی که آمریکا برای فروش تسلیحات به کشورهای عربی خاورمیانه به علت سیاست عدم افزایش قدرت نظامی اعراب نسبت به اسرائیل، سیاست محدود کننده‌ای دارد این کشورها به سمت روسیه برای خرید تسلیحات گرایش پیدا می‌کنند و روسیه نیز از این فرصت صرفاً نهایت استفاده را در راستای فروش تسلیحات می‌کند. (Ibid: 4) بنا به گزارش شبکه العربیه، عربستان سعودی یادداشت

تفاهمی با روسیه برای خرید موشک‌های دفاع هوایی اس. ۴۰۰ امضاء کرده است. (Al Arabiya. 6 Octobre 2017; Hardy. 2017). در سفر «سلمان بن عبدالعزیز»، پادشاه عربستان در اکتبر ۲۰۱۷، به روسیه مذاکرات خرید سیستم دفاعی مذکور صورت گرفت. (Bensaid. 2019) ارزش این معامله برابر ۳ میلیارد دلار آمریکا برآورد شده است. (Carroll. 2017)

۲-۲-۲. سیاست روسیه در قبال بحرآن یمن

تاریخچه روابط دوره معاصر روسیه با یمن به سال ۱۹۲۸م. یعنی سال انعقاد قرارداد مودت و همکاری میان دولت بلشویکی و پادشاهی وقت یمن باز می‌گردد. سه دهه بعد اولین کشتی تسلیحات شوروی در سال ۱۹۵۶م. برای دولت وقت یمن ارسال داشت و سفارت شوروی در یمن افتتاح شد. از جمله طرح‌های همکاری، تاسیس یک بندر تجاری در حدیدیه بود. با کنار رفتن نظام سلطنتی در اواخر سال ۱۹۶۲، مسکو روابط گرمی با دولت جدید تاسیس جمهوری در شمال یمن برقرار کرد و سفارت‌خانه شوروی در صنعا افتتاح شد. طرح‌های شوروی در یمن در دهه ۶۰ عمدتاً حول محور طرح‌های زیر بنایی، مسائل بهداشت و آموزش بود. (Naji. 2019: 5) به دنبال خروج بریتانیا از جنوب یمن و شکل‌گیری یک رژیم مارکسیستی در جنوب، سفارت شوروی در عدن نیز باز شد.

در طول نیمه دوم قرن بیستم یمن جنوبی به عنوان کشوری دارای ایدئولوژی کمونیستی به شدت در مدار اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت، به طوری که دست کم ۵ هزار مشاور نظامی روس در این کشور حضور داشتند و بیش از ۵۰ هزار یمنی نیز برای تحصیل و آموزش راهی دانشگاه‌های شوروی شده بودند. (تقوی نیا. ۱۳۹۵)

سیاست روسیه در بحرآن یمن را باید در چارچوب رویکرد کلی مسکو نسبت به غرب آسیا مورد توجه قرارداد. روسیه سعی دارد نقش مستقل‌تر و فعال‌تری را در درگیری‌های منطقه بر عهده داشته باشد، به همین دلیل در حال برقراری ارتباط با همه طرف‌های درگیر نه تنها در یمن؛ بلکه در کشورهای دیگر نیز هست. به نظر می‌رسد پشتیبانی روسیه از حوثی‌ها همانند حمایت تعیین‌کننده

روس‌ها از بشار اسد در سوریه نباشد، چراکه این دو کشور برای مسکو در اولویت یکسانی قرار ندارند. بدین معنی که روسیه در سوریه داری پایگاه استراتژیک طرطوس است در حالی که در شرایط حاضر، منافع حیاتی مشابهی در یمن ندارد. روس‌ها برای حمایت یک‌جانبه از حوثی‌های یمن دارای محدودیت‌هایی هستند. آنها به خوبی می‌دانند که یمن در حال حاضر صحنه رقابت ایران (شیعه) و عربستان (سنی) است و هرچند ایالات متحده آشکارا از ریاض حمایت می‌کند اما پشتیبانی مستقیم مسکو از حوثی‌های یمن ممکن است آنها را در برابر کشورهای سنی قرار دهد. بنابراین به نظر می‌رسد روسیه در بحران یمن آمادگی بر عهده گرفتن نقش واسطه‌ای را برای حل بحران دارد ولی به هیچ وجه عملکردی همانند عرصه سوریه برای آن متصور نیست. روسیه با در نظر گرفتن سیاست حفظ وضع موجود در منطقه و یمن، مخالف هرگونه مداخله خارجی در این کشور عربی است. (تقوی نیا، ۱۳۹۵)

ساموئل رامنی تاکید می‌کند که سیاست راهبردی روسیه مبنی بر عدم درگیر شدن (عدم تعهد) در بحران یمن، برگرفته از منافع مسکو در امنیت خلیج عدن و تمایلات مسکو در افزایش قدرت نرم در معادلات خاورمیانه و برقراری موازنه میان قدرت‌های منطقه‌ای است. (Ramani, 2019). روسیه به دو شیوه می‌تواند در یمن نقش آفرینی کند. نخست اینکه اهمیت ژئوپلیتیک یمن و سابقه حضور تاریخی اش در این کشور باعث شود تا مسکو بار دیگر حضور در معادلات منطقه‌ای و مسائل این کشور را در اولویت‌های خود قرار دهد. دوم اینکه مقوله یمن را به عنوان اهرمی برای فشار علیه عربستان و یا تنظیم مناسبات با سعودی‌ها قرار دهد. مسکو تاکنون در تعاملات خود با ریاض، سیاست استفاده از قضیه یمن را به عنوان اهرم فشار قرار نداده است ولی ممکن است در شرایط خاصی به این سیاست متوسل شود.

از آغاز درگیری‌ها در یمن، روسیه تحرک فعال و مشهودی در حل و فصل آن نداشته است. سیاست روسیه در این ارتباط تا حد زیادی تحت تاثیر مؤلفه‌های مختلفی از جمله بهبود روابط با عربستان سعودی قرار داشته است. طی چند سال

گذشته، دو کشور توانستند برغم اختلافات شدید در مورد سایر مسائل منطقه‌ای از جمله بحران سوریه در مورد تقویت روابط دوجانبه، هماهنگی اقدام در بازار نفت به توافق برسند و شاه سعودی برای اولین بار به روسیه در ۲۰۱۷ سفر کرد. از این رو روسیه تمایلی ندارد تا تلاش‌های صورت گرفته برای بهبود روابط با سعودی تحت تاثیر مسائل یمن قرار گیرد. انتقال سفارت روسیه از صنعا در همین راستا قابل ارزیابی است.

همچنین روس‌ها علاقه چندانی به تعامل با نیروهای انقلابی و غیردولتی ندارند و بیشتر ترجیح می‌دهند با دولت‌ها تعامل داشته باشند. ضمن اینکه عوامل دولت یمن ارتباط قدیمی و سنتی با روسیه داشته‌اند. از این رو روس‌ها از ابتدای بحران یمن، منصور هادی را به عنوان رئیس جمهور قانونی یمن به رسمیت می‌شناختند. از نظر روس‌ها ماهیت بحران‌های سوریه و یمن متفاوت است. سوریه برای روسیه منافع سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی فراوانی دارد، ولی مسئله یمن ممکن است روسیه را در برابر جهان عرب به نفع ایران قرار دهد.

وجه دیگر بحران یمن بار اخلاقی آن می‌باشد که روسیه تاکنون ضمن حفظ بی طرفی با صدور بیانه‌هایی، خواستار قطع حملات و کمک به مردم یمن شده است که این مسئله نیز به تقویت جایگاه روسیه در بین گروه‌های درگیر منجر شده است. با این حال روس‌ها علی‌رغم آگاهی از مسائل یمن تاکنون به حوثی‌ها کمک خاصی نکرده‌اند و فقط کانال ارتباطی خود با آنها را نگاه داشته‌اند.

جهت گیری سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه ایفای نقش به عنوان یک بازیگر میانجی و واسط در درگیری‌ها و بحران‌های منطقه در چارچوب قوانین سازمان ملل متحد و بدون حمایت انحصاری از یک طرف و یا مخالفت با سایر طرف‌های درگیر می‌باشد. بحران یمن نیز از این قاعده مستثنی نیست. در واقع، روسیه تنها کشور عضو شورای امنیت و قدرتمند در جهان است که رابطه با تمام طرفین درگیری را حفظ کرده و می‌تواند از موضع بی طرف و میانجی در بحران یمن اقدام کند.

در اول آوریل ۲۰۱۸، منصور هادی، با معاون وزیر خارجه روسیه «میخائیل

باگدونوف^۱ در حاشیه نشست اتحادیه عرب در تونس ملاقات کرد. در این ملاقات، منصور هادی از دولت روسیه حمایت از دولت شناسایی شده از سوی سازمان ملل در یمن را خواستار شد که نماینده روسیه تمایل مسکو به کمک به ثبات یمن را یادآور شد. (Ramani, 2019)

در اواخر اکتبر ۲۰۱۸، یک نماینده از جنبش حوثی‌ها نیز با میخائیل باگدونوف ملاقات داشت و از تلاش روسیه برای میانجیگری در یمن استقبال کرد. روسیه اتحاد موضع خنثی و بی‌طرفی خود را فرصتی برای افزایش قدرت نرم خود در خاورمیانه و تمایز خود از ایالات متحده آمریکا می‌داند. البته روسیه در قبال اتهامات آمریکا علیه ایران مبنی بر مسلح‌سازی حوثی‌ها از ایران دفاع کرده است و پیش‌نویس قطعنامه تحت حمایت آمریکا و انگلستان در شورای امنیت را در دسامبر ۲۰۱۸، متوقف ساخت. حتی دیپلمات‌های روسیه طرح چهار نکته‌ای پیشنهادی محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران برای حل بحران یمن را تکرار کردند. (Ibid)

به موازات این سیاست، روسیه برای حفظ دوستی با عربستان، مشروعیت دولت منصور هادی را به کرات به رسمیت شناخته است و حتی حمله حوثی‌ها به تانکرهای نفتی در باب المندب را محکوم کرده است. به هر ترتیب، روسیه نمی‌تواند همکاری نفتی با عربستان را نادیده بگیرد. لاروف وزیر خارجه روسیه، در اواخر سال ۲۰۱۹، در ملاقات با هم‌تایان خود در عربستان، عمان و مصر تعهد مسکو برای تلاش جهت پایان بخشیدن به جنگ را یادآور شد. (Ibid)

به گفته «پیتر سالزبری»^۲ از «گروه بین‌المللی بحران»^۳ و متخصص امور یمن، روسیه طی جنگ غیر فعال نبوده است. سفارت روسیه در صنعا تا زمان کشته شدن علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهوری سابق یمن در سال ۲۰۱۷، از نمایندگان انصارالله و شورای انتقالی جنوب برای گفتگو استقبال می‌کرد اما تأکید داشت دولت "مشروع" منصور هادی را به رسمیت می‌شناسد. (لوبلاگ، ۱۳۹۸)

-
1. Mikhail Bogdanov
 2. Peter Salisbury
 3. Crisis Group Role

«واسیلی نبنزیا»،^۱ نماینده دائم روسیه در سازمان ملل اعلام کرد که مسکو به حمایت از تلاش‌های مسالمت‌آمیزی که سازمان ملل بر آن نظارت دارد ادامه می‌دهد. «عیدروس الزبیدی»^۲، رئیس شورای انتقالی جنوب یمن به دعوت مسؤلان روسی به مسکو سفر و ادعا کرد که توافقی درباره امکان حل سیاسی بحرآن وجود دارد. (لوبلاگ. ۱۳۹۸)

۳. مواضع روسیه و چین در قبال یمن در شورای امنیت سازمان ملل

شورای امنیت قطعنامه‌های متعددی در قضیه یمن به بحث گذاشته است که تقریباً همه موارد به اتفاق آراء اعضاء از جمله روسیه و چین تصویب شده‌اند. بر اساس مفاد قطعنامه‌ها و آراء و نظرات دو کشور چین و روسیه، مشخص می‌گردد که دو کشور مزبور سیاست همراهی با شورای همکاری خلیج فارس را دنبال کرده‌اند.

- قطعنامه ۲۰۱۴ (۲۰۱۱)

در این قطعنامه تداوم رئیس جمهوری علی عبدالله صالح مورد حمایت قرار گرفت و از فعالیت‌های شورای همکاری خلیج فارس برای حل بحرآن استقبال شده و از سیاست‌های این شورا حمایت شده است. قطعنامه به اتفاق آراء اعضاء شورای امنیت به تصویب رسیده است. (S/PV. 6634. 21 Oct. 2011)

- قطعنامه ۲۰۵۱ (۲۰۱۲)

این قطعنامه از پیشنهاد عربستان سعودی و طرح شورای همکاری خلیج فارس در زمینه انتقال مسالمت‌آمیز قدرت (استعفای عبدالله صالح) و جانشینی منصور هادی تا اصلاح قانون اساسی و برگزاری انتخابات عمومی تا فوریه ۲۰۱۴، تشکیل کنفرانس گفتگوی ملی، تقویت اصول آشتی ملی و تلاش برای ایجاد دولت وحدت ملی به رهبری وی حمایت می‌کند. قطعنامه شماره ۲۰۵۱ سال

۲۰۱۲، به اتفاق آراء به تصویب رسید (S/PV. 6784. 2012)

- قطعنامه ۲۱۴۰ (۲۰۱۴)

این قطعنامه از تلاش شورای همکاری خلیج فارس برای کمک به انتقال

1. Vasily Nebenzya

2. Aidarus al-Zoubaidi

قدرت سیاسی در یمن تجلیل می‌کند و از نتایج جامع کنفرانس گفتگوی ملی، امضاء شده توسط تمامی احزاب سیاسی و جریان‌ها که نشان از ادامه گذار دموکراتیک در یمن است استقبال می‌کند.

قطعنامه از تمامی دولت‌های عضو سازمان ملل می‌خواهد برای یک دوره یک‌ساله، سیاست تحریم بدون تعلیق تمام صندوق‌های پولی و مالی و منابع اقتصادی تروریست‌ها و آنهایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت اوامر یا کنترل افراد یا نهادهای تروریست هستند را دنبال کنند. قطعنامه از همه طرف‌های درگیر به ویژه حوثی‌ها می‌خواهد به طرح شورای همکاری خلیج فارس، نتایج کنفرانس جامع گفتگوهای ملی و قطعنامه‌های مربوط به شورای امنیت پایبند باشند.

قطعنامه به صراحت از همه دولت‌های عضو سازمان ملل می‌خواهد باید مانع از فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم سلاح به نفع علی عبدالله صالح، عبدالله صالح الحکیم، عبدالخالق الحوثی شوند. (S/RES/2140. 2014) این قطعنامه به اتفاق آراء به تصویب رسید. (S/PV. 7119. 2014) قطعنامه شماره ۲۱۷۵ سال ۲۰۱۴، نیز که تقریباً مفاد قطعنامه قبلی را در بر داشت مجدداً به اتفاق آراء به تصویب رسید. (S/PV. 7256. 2014)

- قطعنامه ۲۲۰۱ (۲۰۱۵)

این قطعنامه از اهمیت کلیدی در حمایت از سیاست‌های عربستان و محکومیت حوثی‌ها برخوردار است. قطعنامه از اقدامات یکجانبه حوثی‌ها درمنحل کردن مجلس کشور و تصاحب حکومت قانونی یمن ابراز تاسف کرده است و همچنین سیاست حوثی‌ها را عامل به خطر افتادن امنیت، ثبات و وحدت مردم یمن می‌داند. قطعنامه اقدامات جنبش حوثی‌ها را برای به خطر انداختن جان مقامات عالی‌رتبه یمن شامل رئیس‌جمهور منصور هادی، نخست‌وزیر و سایر اعضا کابینه را محکوم می‌کند و از حوثی‌ها می‌خواهد فوراً تمام مراکز قدرت و مراکز دولتی را تخلیه کنند. (S/RES/2201. 2015)

این قطعنامه به اتفاق آراء به تصویب رسید. در نشست تصویب قطعنامه

نماینده فدراسیون روسیه، «سافرن کف»^۱ حمایت دولت خود را همراه با سایر دول شورا، از اقدام شورای همکاری خلیج فارس و اقدامات اجرایی و نتایج کنفرانس گفتگوی ملی و توافق نامه صلح و همکاری ملی اعلام داشت. (S/PV. 7389. 2015)

دولت روسیه اعلام کرد از اقدامات مشاور ویژه دبیرخانه سازمان ملل، آقای «بن عمر»^۲ حمایت می کند. نماینده روسیه تداوم گفتگوهای سازنده را برای جلوگیری از خطر تروریسم ضروری می دانست. (S/PV. 7382. 2015)

«لیو جی ای»^۳ نماینده دولت چین که ریاست شورا را در این دوره عهده دار بود با تاکید بر ضرورت حفظ حاکمیت، وحدت و تمامیت ارضی یمن، و تأیید قطعنامه، از طرف های درگیر می خواهد برای توافق صلح تلاش کنند. نماینده چین بر اجرایی ساختن مصوبات کنفرانس گفتگوی ملی و ابتکار شورای خلیج فارس تاکید داشت و از اقدامات مشاور ویژه دبیرخانه سازمان ملل آقای بن عمر حمایت کرد. (S/PV. 7382. 2015)

- قطعنامه ۲۲۰۴ (۲۰۱۵)

این قطعنامه تاکید مجدد بر مفاد قطعنامه قبلی و سیاست تحریم حوثی ها و عدم مساعدت مالی به حوثی ها و اجرای مفاد کنفرانس گفتگوی ملی داشت. (S/RES/2204. 2015) این قطعنامه، به اتفاق آراء به تصویب رسید. (S/PV. 7390. 2015)

- قطعنامه ۲۲۱۶ (۲۰۱۵)

این قطعنامه از مشروعیت قانونی ریاست جمهوری هادی منصور حمایت کرده و بازگشت به اجرای طرح "ابتکار شورای همکاری خلیج فارس" را خواستار می شود. قطعنامه هشدار مجددی را درمورد تشدید فعالیت نظامی حوثی ها در بسیاری از مناطق یمن یادآور می شود و اقدامات یک جانبه از سوی حوثی ها را شدیداً محکوم می کند و از حوثی ها می خواهد با اجرای مطالبات

-
1. Safronkov
 2. Benomar
 3. Liu Jieyi

مندرج در قطعنامه ۲۲۰۱ (۲۰۱۵) به عقب نشینی فوری و بدون قید و شرط نیروهای خود از موسسات دولتی از جمله صنعا اقدام ورزند. در قطعنامه از اقدامات بی ثبات کننده رئیس جمهور پیشین یمن، علی عبدالله صالح از جمله حمایت از اقدامات حوثی ها ابراز تاسف شده است. قطعنامه از حوثی ها می خواهد به معدوم سازی تمام سلاح های اضافی کشف شده از نهادهای نظامی و امنیتی از جمله سیستم های موشکی در یمن اقدام ورزند. (20. RES/2216) این قطعنامه با رای مثبت ۱۴ عضو رای آورده و فقط فدراسیون روسیه رای ممتنع می دهد. (S/PV. 7426. 2015)

«چورکین»^۱، نماینده فدراسیون روسیه معتقد بود که متن قطعنامه انتظارات جامعه بین المللی را برای حل بحران یمن بر طرف نمی کند ضمن اینکه دیدگاه ها نظرات سازنده فدراسیون روسیه مورد توجه قرار نگرفته است. (S/PV. 7426. 2015) فدراسیون روسیه اعلام می دارد که قطعنامه به معضلات ایجاد شده در پی جنگ برای مردم یمن اشاره ای ندارد و در زمینه تعهدات طرفین واضح نیست. نماینده روسیه بر پیش بینی یک تحریم همه جانبه تاکید دارد. نماینده روسیه نهایتاً بر ضرورت اتخاذ راه حل سیاسی تاکید می کند. (S/PV. 7426. 2015)

همانطور که ملاحظه می شود فقط نماینده روسیه با رأی ممتنع، همراهی نکردن کامل کشورش را با مفاد قطعنامه اعلام می دارد، ولی نماینده روسیه مواضع تندی را علیه قطعنامه اتخاذ نمی کند و صرفاً اعلام می کند که تحریم ها ماهیت همه جانبه ندارد. روسیه با رأی ممتنع عملاً مانع از تصویب نمی شود و تا حدی سعی می کند نظر ایران را مورد توجه قرار دهد، ولی نهایتاً با رأی ممتنع و عدم وتوی روسیه، قطعنامه رأی می آورد.

- قطعنامه ۲۲۶۶ (۲۰۱۶)

این قطعنامه ماهیت چندان تندی ندارد و عملاً همه طرف های درگیر را به اتخاذ روش های مذاکره تشویق می کند. البته موضوع به کار گیری تسلیحات غیر قانونی را مورد نکوهش قرار می دهد و از فعالیت داعش در منطقه اعلام نگرانی

می‌کند. (S/RES/2266. 2016) به این قطعنامه همهٔ اعضاء رای موافق دادند. (S/PV. 7630. 2016) قطعنامهٔ شماره ۲۳۴۲ سال ۲۰۱۷، نیز به اتفاق آراء به تصویب رسید. (S/PV. 7889. 2017).

در ۲۶ فوریه ۲۰۱۸، انگلستان و آمریکا قطعنامه‌ای را که ماهیت کاملاً یک‌جانبه از مواضع عربستان سعودی داشت برای تصویب پیشنهاد می‌کند. روسیه رأی منفی می‌دهد و قطعنامه رأی نمی‌آورد. نماینده روسیه آقای «ننزیبا» عدم حمایت فدراسیون روسیه را از قطعنامه ۲۰۱۸/۱۵۶ در ۲۶ فوریه ۲۰۱۸، اعلام می‌دارد. نماینده روسیه پیش‌نویس پیشنهادی انگلستان را عامل بروز بی‌ثباتی در منطقه ذکر می‌کند.

نهایتاً این قطعنامه به دلیل رأی منفی روسیه رأی نمی‌آورد. بولیوی نیز به قطعنامه رأی منفی می‌دهد. چین و قزاقستان نیز رأی ممتنع می‌دهند (S/PV. 8190. 2018)، متن دیگری جایگزین می‌شود که نظرات روسیه را تأمین می‌کند. قطعنامه ۲۴۵۱ بر سیاست‌های دبیر کل تأکید داشت و بر ضرورت تداوم گفتگوی‌های صلح که در استکهلم میان دولت یمن و حوثی‌ها با فرستادهٔ ویژه در استکهلم که از ۶ تا ۱۳ دسامبر ۲۰۱۸، آغاز شده بود اصرار می‌ورزید. (S/RES/2451. 2018)

نماینده چین «ما زاوکسو»^۱ در حمایت از متن قطعنامه ۲۴۵۱ سال ۲۰۱۸، بر ضرورت تداوم گفتگوی‌های صلح استکهلم تأکید می‌کند. نماینده چین مجدداً ابتکار شورای همکاری خلیج فارس و نتایج کنفرانس گفتگوی ملی را مورد حمایت قرار می‌دهد. (S/PV. 8439. 2018) نماینده روسیه «پلیانسکی»^۲ از اقدامات نماینده ویژه سازمان ملل در بحران یمن، «مارتین گریفیتس»^۳ حمایت کرده و او را به ادامه سیاست‌ها و گفتگوی‌های میانجیگرانه در سال جدید فرامی‌خواند. (S/PV. 8439. 2018) قطعنامه شماره ۲۴۵۲ سال ۲۰۱۹، (S/RES/2452. 2019) که مفاد آن مشابه قطعنامه ۲۴۵۱ بود به اتفاق آراء به تصویب رسید. (S/PV. 8444. 2019)

قطعنامه شماره ۲۴۵۶ سال ۲۰۱۹ مفاد قطعنامه‌های قبلی بر مشروعیت دولت

1. Ma Zhaoxu

2. Polyanski

3. Martin Griffiths

منصور هادی و تلاش برای صلح را مورد تأکید قرار داد (S/RES/2456. 2019) و به اتفاق آراء تصویب شد. (S/PV. 8469. 2019)

در مجموع به نظر می‌رسد که پکن و مسکو در شرایط فعلی سیاست حفظ وضع موجود و تفوق عربستان بر منطقه را بر قدرت یافتن حوثی‌ها ترجیح داده‌اند و تلاشی برای کاربرد حق و تو جهت تضعیف جناح طرفدار عربستان سعودی و شورای همکاری خلیج فارس انجام نداده‌اند. البته چنانچه کفه ترازوی قدرت در آینده به نفع حوثی‌ها و مواضع ایران تغییر کند، سیاست حمایت از برنده را به شرط اینکه ثبات در منطقه تضمین شود، دنبال خواهند کرد.

نتیجه‌گیری

در چهارچوب نظریه نظام تابع منطقه‌ای، مشخص است که دو قدرت جهانی یعنی جمهوری خلق چین و فدراسیون روسیه که عضو دائم شورای امنیت نیز هستند به صورتی غیر فعال به عنوان بازیگر تزاومی و خارجی در معادلات آسیای جنوب غربی و به ویژه بحران یمن ایفای نقش می‌کنند.

حجم وسیع تبادلات تجاری عربستان سعودی و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با چین و روسیه و وابستگی چین به منابع انرژی و نفت خلیج فارس و امکان واردات نفت عربستان بدون مشکلاتی که ایران به علت تحریم‌های آمریکا روبرو است، شرایطی را ایجاد کرده است که پکن و مسکو حفظ روابط حسنه با عربستان را در بحران یمن در اولویت قرار می‌دهند. چین و روسیه ضمن حفظ سیاست بی‌طرفی، عملاً از سیاست‌های عربستان و شورای همکاری خلیج فارس حمایت کرده‌اند. ایران برخلاف مقوله سوریه، نباید به صورت جدی روی کمک و پشتیبانی روسیه حساب کند هرچند که روسیه به موضوع یمن به عنوان یک اهرم فشار بالقوه نیز در روابط خود با عربستان سعودی می‌نگرد.

چین و روسیه به امنیت باب‌المندب و دریای سرخ توجه خاص دارند و هرگونه تغییر ساختار قدرت در این منطقه نباید باعث بی‌ثباتی این منطقه استراتژیک گردد. لذا سیاست ایران در قبال جنبش مردمی یمن باید به سمتی سوق یابد که پکن و مسکو شاهد بی‌ثباتی منطقه باب‌المندب نباشند و عربستان نیز به

عنوان شریک تجاری این دو کشور، بازنده مطلق تلقی نشود. البته شرایط خاص عربستان و احساس خطر ریاض از دولت حوثی‌ها، فضایی را ایجاد می‌کند که عربستان برای خرید تسلیحات در کنار آمریکا به سوی روسیه و چین هم‌گرایش پیدا کند. در نتیجه وجود احساس ناامنی نزد حکام ریاض تا حدودی مطلوب مجموعه قدرت‌های اصلی شورای امنیت شامل آمریکا، انگلستان، فرانسه، روسیه و چین می‌باشد؛ زیرا که درجه وابستگی عربستان و کشورهای نفت‌خیز شورای همکاری خلیج فارس به آنها را افزایش می‌دهد. بازیگران این صفحه شطرنج از جمله ایران باید توجه داشته باشند که در مسیر مطلوب قدرت‌های جهانی ایفای نقش نکنند و ناامنی و افزایش تنش در منطقه نهایتاً به حضور بیشتر قدرت‌های بیگانه تزاممی در منطقه منجر می‌شود و بدین ترتیب، منابع مالی جهان اسلام صرف هزینه خرید تسلیحات، قراردادهای دفاعی و قدرت و نفوذ بیشتر اسرائیل می‌گردد. بهترین روش برای تضعیف جهان اسلام، افزایش تنش و وقوع جنگ و خون‌ریزی میان خود دولت‌های اسلامی و مسلمانان است.

منابع

- احمدی لفورکی، بهزاد و روح الله طالبی آرانی (۱۳۹۷). «بازخوانی مدل‌های مطالعات منطقه‌ای در تقویت مبانی کاربردی الگوی روابط امنیتی بینا منطقه‌ای». رهیافت سیاسی بین‌المللی. د ۱۰. ش ۱. (پیاپی ۵۵). صص ۱۲-۴۳.
- بزرگمهری، مجید (۱۳۸۳). «نظام منطقه‌ای و تعامل جبری و اختیاری آن با دیگر سطوح تحلیل مطالعات روابط بین‌الملل (نظام جهانی و سیاست خارجی کشورها)». اطلاعات سیاسی اقتصادی. ش ۲۰۷-۲۰۸. صص ۱۴۴-۱۵۳.
- بوزان بار. ی و ویورال. ی (۱۳۸۸). مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل. ترجمه رحمن قهرمانپور. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تقوی نیا، احسان (۱۳۹۵). «جایگاه یمن در راهبردهای جدید روسیه». ایراس. موسسه مطالعات ایران و اورآسیا <http://www. iras. ir/fa/doc/note/1966>
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۹). «مفهوم و ماهیت قدرت منطقه‌ای». فصلنامه مطالعات راهبردی. س دوازدهم. ش چهارم. مسلسل ۴. صص ۳۷-۶۶.
- دیلمی معزی، امین (۱۳۸۸). «سیاست خارجی روس یه در خاورم یانه در دهه اول قرن بیست و یکم». دوفصلنامه ایراس. س پنجم. ش ۶. صص ۸۱-۱۰۲.
- سهرابی، محمد (۱۳۹۲). «سیاست خارجی روسیه در خاور میانه». پژوهشنامه روابط بین‌الملل. صص ۱۰۳-۱۴۴.
- لوبلاگ (۱۳۹۸). «لوبلاگ بررسی کرد: گسترش قدرت روسیه در منطقه و نفوذ در یمن». کد خبر: ۱۲۹۱۷۲۶. ۳۰ مرداد ۱۳۹۸.
- <https://www. khabaronline. ir/news/1291726>

Al Arabiya English (@AlArabiya_Eng) 6 octobre 2017 <https://www.euronews.com/2017/10/06/saudi-arabia-and-russia-sign-arms-deal>

Al Awd. Yahya, Muhammad Fuad Bin Othman and Norafidah Binti Ismail. (2017) "Yemen-China Relations: History and Development in Bilateral Relations. *The Social Sciences* 12(10):1775-1794. 2017. Medwell Journals. ISSN:1818-5800. PP.1775-1794

- Al-Tamimi. Naser.(2012)“China-Saudi Arabia Relations: Economic Partnership or Strategic Alliance?” Number 2: June 2012. Durham University Library, United Kingdom
- Banker Port News Worldwide**.20 Sep. 2020 <http://www.bunkerportsnews.com/News.aspx?ElementId=cbf7a4ca-c918-4dfc-8b7c-c5d16376e3f9>. Cited in <https://www.hellenicshippingnews.com/wpcontent/uploads/2019/04/mnbvcsdfhiuytredrrfgfd3.jpg>
- Bensaid, Adam.(2019) “Russia is selling more weapons to Saudi Arabia and the UAE” **TRT World**. 22 Feb.2019. <https://www.trtworld.com/middle-east/russia-is-selling-more-weapons-to-saudi-arabia-and-the-uae->
- Blank.Stephen.(2018) “Russia’s Middle Eastern Position in 2025”. **Russia IN THE Middle East**. November 20, 2018. The Jamestown Foundation <https://jamestown.org/program/russias-middle-eastern-position-in-2025/>
- Cantori, L. and Spiegel, S. (1973). The Analysis of Regional International Politics: The Integration Versus the Empirical Systems Approach”, **International Organization**, 27(4): 465-494.
- Cantori, L. and Spiegel, S. (1970) “**The International Politics of Regions**” Prentice-Hall.1970. University of California. Newjerassy.
- Carroll, Oliver, (2017) “Russia and Saudi Arabia 'sign \$3bn arms deal' as King Salman visit shows how much relations have changed” **Independent**. Thursday 05 October 2017 <https://www.independent.co.uk/news/world/europe/russia-king-salman-visit-saudi-arabia-moscow-vladimir-putin-a7985161.html>
- Chang, I-wei Jennifer. (2018). “China and Yemen’s Forgotten War”.**Peace brief** . United States Institute of Peace • www.usip.org. USIP 2018 • Email: ichang@usip.org
- Embassy of the PRC in Republic of Yemen, (2016) “Tian qi dashi fenbie yu yemen quanguo renmin dahui dang he husai lingdaoren tong dianhua” (“Ambassador Tian Qi Phones Yemen’s General People’s Congress Party and Houthi Leaders”), September 11, 2016, <http://ye.china-embassy.org/chn /sgdt/t1396534.htm>
- Hardy, Catherine (2017) “Saudi Arabia and Russia sign arms deal. **REUTERS**, Last updated: 06/10/2017
- Hornschild. Sebastian(2016) “China in the Middle East: not just about oil” **European Union Institute for Security Studies** (EUISS) July 2016.EU

- Institute for Security Studies, 2016. | QN-AL-16-031-2A-N | ISBN 978-92-9198-405-3 | ISSN 2315-1129 | doi:10.2815/923893
- Houlden. Gordon. and Noureddin M. Zaaout. (2019) "***A New Great Power Engages with the Middle East: China's Middle East Balancing Approach*** China Institute, University of Alberta. January 2019
- Keefer. Douglas John & Matthew B. Nelson, Kevin L. Schwartz (2007) "Rising in the Gulf: How China's Energy Demands Are Transforming the Middle East. Al Nakhlah. Spring 2007. ***The Fletcher School Journal for issues related to Southwest Asia and Islamic Civilization***.
- Mudhish. Abdullah A.S. (2017) "DETERMINANTS OF BILATERAL TRADE BETWEEN CHINA AND YEMEN: EVIDENCE FROM VAR MODEL" ***International Journal of Economics, Commerce and Management***. United Kingdom Vol. V, Issue 5, May 2017. ISSN 2348 0386. PP.66-74.<http://ijecm.co.uk/>
- Naji. Mustafa. (2019)"YEMEN'S ROLE IN MOSCOW'S MIDEAST COMEBACK" June 28, 2019. ***The Sana'a Center for Strategic Studies***. PP.1-15
- Pardo Pacheco, Ramon. March 2014. "Analysis: Ever-Growing Business Ties between China and Saudi Arabia". ***ALSHARQ AL-AWSAT***: www.aawsat.net/2014/03/articles55330055/analysis-ever-growing-business-ties-between-china-and-saudi-arabia.
- Popescu. Nicu and Popescu and Stanislav Secrieru,(2018) "Russia's Return to the Middle East: Building Sandcastles?: Brussels. European Union Institute for Security Studies, ***Chaillot Paper*** No. 146, July 2018, P. 30.
- Ramani. Samuel.(2019). "Russia's Strategic Balancing Act in Yemen". ***Arab Gulf States Institute in Washington*** <https://agsiw.org/russias-strategic-balancing-act-in-yemen/>
- Reuters (2016) "China Offers Support for Yemen Government as Xi Visits Saudi Arabia," January 20, 2016, www.reuters.com/article/us-saudi-china-yemen-idUSKCN0UY0C1.
- Russel. Martin. (2018) "Russia in the Middle East. From sidelines to center stage". EPRS | ***European Parliamentary Research Service***. November 2018
- Sladden. James and Becca Wasser, Ben Connable, and Sarah Grand-Clement, "Russian Strategy in the Middle East" Santa Monica, Calif: ***RAND***

Corporation, PE-236-RC, 2017.

Svenska FN-förbundet info@fn.se . www.fn.se.h
(https://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7B65BFCF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF9%7D/s_pv_8379.pdf), downloaded 18 November 2018.

Wormuth. Christine.(2019) “Russia and China in the Middle East” Implications for the United States in an Era of Strategic. Competition.” Testimony presented before the House Foreign Affairs Subcommittee on Middle East, North Africa and International Terrorism on May 9, 2019.PP.1-8

Xinhua (2016) “China, Saudi Arabia Ink Cooperation Deals,” August 30, 2016, http://news.xinhuanet.com/english/2016-08/30/c_135645729.htm.

اسناد شورای امنیت

S/PV.6634. 2011. Security Council Sixty-sixth year 6634th meeting. Friday, 21 October 2011

S/PV.6784 .2012. Security Council .Sixty-seventh year .6784th meeting . Tuesday, 12 June 2012

S/PV.6784 .2012. Security Council .Sixty-seventh year .6784th meeting . Tuesday, 12 June 2012

S/RES/2140 (2014) .Security Council Distr.: General .26 February 2014

S/PV.7119 Security Council. Sixty-ninth year. 7119th meeting Wednesday, 26 February 2014

S/PV.7256.2014 Security Council Sixty-ninth year 7256th meeting Friday, 29 August 2014

S/RES/2201 (2015) Security Council Distr.: General 15 February 2015

S/PV.7382. 2015. Security Council Seventieth year7382nd meeting Sunday, 15 February 2015

S/RES/2204 (2015) Security Council Distr.: General 24 February 2015

S/PV.7390.2015. Security Council. Seventieth year7390th meeting. Tuesday, 24 February 2015

S/RES/2216 (2015) Security Council Distr.: General 14 April 2015

S/PV.7426. 2015. Security Council. Seventieth year7426th meeting. Tuesday, 14 April 2015

S/RES/2266 (2016) Security Council Distr.: General 24 February 2016

S/PV.7630 .2016. Security Council . Seventy-first year . 7630th meeting

Wednesday, 24 February 2016

S/PV.7889 .2017.Security Council . Seventy-second year . 7889th meeting

Thursday, 23 February 2017

S/RES/2451 (2018) Security Council Distr.: General 21 December 2018

S/PV.8439 . 2018. Security Council . Seventy-third year . 8439th meeting

Friday, 21 December 2018

S/RES/2452 (2019) Security Council Distr.: General 16 January 2019

S/PV.8444 .2019. Security Council . Seventy-fourth year . 8444th meeting

Wednesday, 16 January 2019

S/RES/2456 (2019) Security Council Distr.: General 26 February 2019

S/PV.8469.2019. Security Council .Seventy-fourth year .8469th meeting

Tuesday, 26 February 2019